



۱۰ نویسنده برجسته ادبیات پست مدرن کدامند؟

در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم، ادبیات مدرنیستی در کانون جریان ادبی قرار داشت؛

در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم، ادبیات مدرنیستی در کانون جریان ادبی قرار داشت؛ با این وجود، پس از جنگ جهانی دوم، جنبشی جدید در فرضیه های ادبیات سربرآورد با عنوان «پست مدرنیسم». سایت «مسترکلاس» در مقاله ای به بررسی ادبیات پست مدرن پرداخته و ۱۰ نویسنده برجسته در این سبک ادبی معرفی کرده است. به گزارش ایسنا، در این مقاله می خوانیم:

ادبیات پست مدرن چیست؟
این گونه از ادبیات، جنبشی است که تلاش می کند تا از مطلق انگاری معنا اجتناب کند؛ به جای آن، سعی دارد تا بر بازی با واژگان، تجزیه جملات به عبارات پراکنده، بیان فراداستان و قصه هایی بینامتنی تاکید کند. این جنبش ادبی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، در واکنش به ناتوانی ادبیات مدرن برای یافتن معنا در پرتو نقض قابل توجه حقوق بشر در جنگ جهانی دوم، سربرآورد و جهان گیر شد.

از نمونه های بارز در این جنبش می توان به «رنگین کمان جاذبه» نوشته توماس پینچن، «سلاخ خانه خانه شماره ۵» اثر کورت وونه گات و «تیسره ۲۲» (۲۲ & Catch) رمانی از جوزف هلر اشاره کرد. اگرچه از نظریه پردازانی که تمرکز خود را بر جنبش پست مدرن در ادبیات گذاشتند، لازم است نام برده شود؛ نام هایی چون: رولان بارت، ژاک دریدا، ژان بودریار، خورخه لوئیس بورخس، میشل فوکو و ژان فرانسوا لیوتار.

منابع اصلی ادبیات پست مدرن چه چیزهایی هستند؟
اسلاف ادبیات پست مدرن، یعنی ادبیات مدرنیستی یا مدرن، بر معنا تاکید بسیار داشتند و معتقد بودند که نویسنده خالق گونه ای روشنگری است درباره نظم و سوگواری بر دنیای پرآشوب مدرن؛ کسانی چون جیمز جویس، تی.اس. الیوت و ویرجینیا وولف از جمله این افراد بودند.

اگرچه، پس از مجموعه ای اتفاقات ناقض حقوق بشر در دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن، از جمله قتل عام یهودیان، بمباران اتمی ژاپن و بازداشت جمعی ژاپنی ها در آمریکا، نویسندگان به این فکر افتادند که رسیدن به معنا خواسته ای غیرممکن است و تنها راه پیشرفت پذیرفتن بی معنایی کامل است.

بنابراین، ادبیات پست مدرن بسیاری از اصول مدرنیسم، مانند دوری از معنا، تشدید و تایید چندپارگی و بی نظمی و حتی آغاز تغییرات بزرگ در سنت های ادبی را به طور کلی کنار گذاشت؛ یا شاید بهتر است بگوییم تفکر خود را بر همین رد معنا و نظم بنیان گذاشت.

۵ ویژگی ادبیات پست مدرن
ادبیات پست مدرن بر اساس این تفکرات اصلی شکل گرفت:

۱ – پذیرش تصادفی بودن اتفاقات. آثار این جنبش ایده هرگونه معنای دقیق از رویدادها را کاملاً رد کرد و به جای آن بر اتفاقی بودن و بی نظمی رویدادها تاکید داشت. رمان های پست مدرن اغلب داستان هایی غیرقابل باور را روایت می کنند و به طور افراطی تلاش می کنند تا مانع دریافت خواننده از معنای داستان شده و او را دچار سردرگمی می کنند.

۲ – سبک سری و لودگی. درحالی که نویسندگان مدرنیست به عزای بی نظمی نشسته بودند، نویسندگان پست مدرن اغلب با استفاده از طنز سیاه، بازی با واژگان، دوگانگی در معنا و دیگر روش های لودگی و شوخی بی نظمی را تشدید کردند و داستان هایی آشفته خلق کردند تا بیش از پیش باعث گیج شدن خوانندگان شوند.

۳ – پراکنده گوئی. ادبیات پست مدرن پراکنده گوئی جنبش مدرن را گرفت و آن را گسترش داد؛ از این رو آثار ادبی در جنبش پست مدرن بیشتر به سوی اشکالی از کلاژ، پیچیدگی در زمان و تغییرات ناگهانی ملموس در شخصیت ها و مکان های داستان حرکت کرد.

۴ – فراواقعیت. ادبیات پست مدرن بر بازی بودن زندگی و بی معنایی آن تاکید داشت. نویسندگان این جنبش از عناصر فراواقعیتی بیشتری در رمان ها و داستان های کوتاه خود استفاده کردند و بیشتر بر هنر و مهارت های نویسندگی خود تاکید داشتند؛ آن ها به طور دائم به خوانندگان یادآوری می کردند که نویسنده یک عالم همه چیزدان نیست و نمی تواند منبع و مرجع راهنما باشد.

۵ – ارجاعات درون و بینامتنی. بنا بر شکلی از نوشتار کلاژگونه، بسیاری از نویسندگان پست مدرن آثار خود را به نوعی گفت وگو با متون دیگر بدل کردند. روش های مورد استفاده آن ها شامل تقلید ادبی، یا تقلید از سبک های دیگر نویسندگان و ترکیب فرهنگ های سطح بالا و سطح پایین، یا نوشتن درباره موضوعاتی که پیش تر ناشایست تلقی می شد بودند.

۱۰ نویسنده برجسته در جنبش پست مدرن.
در این جا می خواهیم از ۱۰ نویسنده شاخص که در فراگیری جنبش پست مدرن ادبی نقش زیادی داشته اند نام ببریم.

۱ – جان بارت. او در سال ۱۹۶۷ مقاله ادبی انتقادی نوشت با عنوان «ادبیات خستگی» و در آن تمامی نوشته های نویسندگان را فقط تقلیدی از پیرامون آن ها توصیف می کند و نه اثری خلاقانه؛ از نظر بسیاری این مقاله به عنوان دکترین ادبیات پست مدرن تلقی می شود. چهارمین رمان بارت، «ژیل پسر» – بزرگ، نمونه ای شاخص از یک شخصیت فراواقعیتی ارائه می کند و در چندین جا در آغاز و پایان داستان تاکید می کند که این کتاب را نویسنده ننوشته بلکه روی نواری ضبط شده به نویسنده داده شده یا توسط رایانه نوشته شده است.

۲ – ساموئل بکت. تأثیر بی معنایی بکت بر فروپاشی روایت در داستان تاکید داشت. او در نمایشنامه «در انتظار گودو» (۱۹۵۳)، داستان دو شخصیت را روایت می کند که در انتظار شخصیت مجهولی به نام گودو روز خود را با گفت وگوئی بیهوده و بی

۳ -- ایتالو کالوینو. رمان او با عنوان «اگر مسافری در شبی زمستانی» (۱۹۷۹) نمونه‌ای عالی است از فراروایت؛ تمام کتاب درباره شخصی است که تلاش می‌کند رمانی را با نام «اگر مسافری در شبی زمستانی» بخواند.

۴ – دان دلیلو. او در رمان به شدت پراکنده و تکه تکه «دنیا زیرین»، داستان مدیر تبلیغاتی در نیویورک دوران ریاست جمهوری نیکسون را روایت می‌کند و در آن به بررسی ظهور سرمایه داری، رکود تولید در آمریکا، کارکرد سازمان جاسوسی این کشور (سیا) و حقوق مدنی می‌پردازد. رمان «صدای سفید» او (۱۹۸۵) بازتعریفی است از پست مدرنیسم از طریق تشریح مصرف گرایی و بمباران شخصیت‌ها با بی‌معنایی محض.

۵ – جان فاولز. رمان «خانم ستوان فرانسوی» رمانی تاریخی است با تأکید بر فراواقعیت. کتاب روایت گر شخصی است که خود بخشی از داستان است و چندین روش برای پایان دادن به داستان پیشنهاد می‌کند.

۶ – جوزف هلر. رمان «تبصره ۲۲» (Catch-۲۲) چندین داستان را بدون ترتیب زمانی روایت می‌کند و به آرامی داستان را با دادن اطلاعات جدید پیش می‌برد. هلر همچنین در این اثر پارادوکس (روش ادبی در بیان چیزی که با خودش در تضاد است اما واقعیتی نهفته در دل خود دارد) و فارس (نوعی کمدی که در آن موقعیت‌های بی‌معنا به طرز مضحکی کنار هم قرار می‌گیرند) را برای هرچه پیچیده‌تر کردن داستان به کار می‌گیرد.

۷ – گابریل گارسیا مارکز. رمان «صد سال تنهایی» مارکز نمونه‌ای شاخص از داستانی مضحک گونه است که داستان چند شخصیت پراکنده را در یک بازه زمانی طولانی روایت می‌کند تا بر کوچک بودن زندگی بشری تأکید کرده باشد.

۸ – توماس پینچن. رمان «رنگین کمان جاذبه» که پینچن در سال ۱۹۷۳ منتشر کرد، به عنوان فرزندخوانده ادبیات پست مدرن شناخته می‌شود که در آن با به کارگیری ساختاری پیچیده و پراکنده موضوعات مختلفی از جمله فرهنگ، علم، علوم اجتماعی، ناسزاگویی و ادب و نزاکت را مطرح کرده است. او در سال ۱۹۶۵ رمان «گریه کنان محوطه ۴۹» را نوشت و در آن اغلب در میان موضوعات بسیار جدی، از بازی‌های کلامی ابلهانه استفاده کرده است.

۹ – کورت ونه گات. رمان «سلاخ خانه شماره ۵» ونه گات روایتی غیرخطی است که در آن شخصیت اصلی داستان از قید بعد زمان رها شده و میان حال و آینده، بدون اینکه بر رفتارهای خود کنترلی داشته باشد، در رفت و آمد است؛ این رمان بر ماهیت بیهودگی جنگ تأکید دارد.

۱۰ – دیوید فاستر والاس. این نویسنده در سال ۱۹۹۶ رمان «شوخی بی‌پایان» را نوشت؛ والاس در این اثر از طریق درهم آمیختن نظریه‌های فکری مختلف و سبکی دانشنامه‌ای، شخصیت‌های خود را در وضعیتی پست مدرن میان انبوهی از یادداشت‌ها و پانویس‌های وسواس گونه گرفتار کرده است. «شاه رنگ پریده» (۲۰۱۱) با بهره‌گیری از شخصیتی با نام دیوید فاستر والاس، قصه‌ای به شدت فراداستانی را روایت می‌کند.